



دودوتایی که چهارتا نمی‌شود!

بررسی نسبت درآمد و هزینه با معیار کیفیت زندگی شهری در پایتخت...

بررسی نسبت درآمد و هزینه با معیار کیفیت زندگی شهری در پایتخت
دودوتایی که چهارتا نمی‌شود!

روزی روزگاری نه چندان دور، برخی از کشورهای اروپایی و آمریکایی دست به اقدام مهمی زدند!

در آن سال‌ها برخی از کشورهای توسعه‌یافته و مدرن دنیا، مدلی را مورد بررسی قرار دادند که اصطلاحاً «افزایش کیفیت زندگی« نام داشت. تورنتو، ونکوور، زوریخ و چندین شهر پیشرفته دیگر این مدل را اجرا کردند تا نوعی تعادل در تناسبات سه‌گانه زندگی (کار، استراحت و تفریح) ایجاد کنند. تئوریسین‌های این مدل اعتقاد داشتند که برای رسیدن و دستیابی به مدل نوینی از افزایش کیفیت زندگی باید زندگی 24 ساعته را به 3 قسمت تقسیم کنند؛ 8 ساعت کار، 8 ساعت تفریح و 8 ساعت استراحت. این پروژه اما تنها به تقسیم یک روز به 8 ساعت مفید ختم نمی‌شد و احتیاج به زیر ساخت‌های قدرتمند اقتصادی داشت تا در نهایت شرایطی خاص ایجاد شود و اصطلاحاً استاندارد بین درآمد، کار، هزینه، استراحت و تفریح ایجاد شود. بعد از مدتی اما این نسبت و تعادل در ساعت کار، استراحت و تفریح و از سویی بین درآمد و هزینه ایجاد شد که این خود گامی مهم برای حرکت به سمت توسعه پایدار بود. تقسیم‌بندی روزانه به 3 قسمت 8 ساعته در جامعه‌ای که نسبت مناسبی هم بین درآمد و هزینه داشته باشد، حتماً آرمانشهری را ایجاد می‌کند که زندگی در چنین شرایطی، آرزوی بزرگ افراد جامعه محسوب می‌شود.

شاخصه‌های کیفیت به صورت سالانه در مجله‌ای به نام «زندگی بین‌الملل« منتشر و بین 194 کشور جهان ارزیابی می‌شود. در شماره جدید این مجله به موضوع جالبی اشاره شده است که نشان می‌دهد کیفیت زندگی مردم ایران از نظر رتبه در مقایسه با دیگر کشورهای جهان از رتبه 131 در سال 2001 به رتبه 150 در سال 2010 میلادی کاهش پیدا کرده است. شاخص کیفیت زندگی از طریق ترکیب شاخصه‌های متعددی مانند «فراغت و فرهنگ«، «هزینه زندگی«، «ریسک«، «زیرساخت«، «سلامت«، «اقتصاد« و... محاسبه می‌شود. براساس این شاخصه‌های ترکیبی، امتیاز ایران طی سال‌های 2001 تا 2010 میلادی بین 45 تا 49 بوده است ولی به دلیل رشد کند این شاخص در کشور و همچنین در مقایسه با دیگر نقاط جهان، شاهد افت کیفیت زندگی در مقایسه با دیگر کشورهای جهان بوده‌ایم؛ شاخص‌هایی که می‌توان آنها را به خصوص در موضوع تناسب درآمد در کلانشهر گرانی‌مندی همچون تهران مورد مقایسه و بررسی قرار داد. این رتبه‌بندی نشان می‌دهد که هزینه زندگی در کشور افزایش پیدا کرده است؛ البته این افزایش به دلیل آنکه هیچ مقایسه‌ای با سطوح درآمدی ندارد و به عنوان شاخصی از میزان مصرف مورد استفاده قرار می‌گیرد، مثبت تلقی شده و نشان می‌دهد میزان هزینه زندگی در ایران معادل 71 درصد رشد داشته است.

درآمدی کمتر از هزینه

اگر دوباره گریزی به مدل‌های بین‌المللی که می‌توانند کیفیت زندگی را افزایش بدهند داشته باشیم، متوجه می‌شویم که از 24 ساعت یک شبانه‌روز، 8 ساعت برای کار در نظر گرفته شده است؛ موضوعی که نه تنها در ایران بلکه در سایر کشورها هم گاهی کارمندان را اصطلاحاً مجبور به اضافه کاری می‌کند. به طور مثال و با نسبتی که به صورت میانگین مورد بررسی قرار گرفته است متوجه می‌شویم که یک کارمند معمولی در داخل کشور، آن هم در کلانشهر مهمی مانند تهران روزی 20 الی 30 هزار تومان درآمد دارد و در نهایت قشر تحصیل‌کرده بین 600 تا 800 هزار تومان درآمد دارند. (البته در این بین درآمدهای بیشتری تا مرز یک میلیون تومان وجود دارد اما این آمار کاملاً رندوم و به صورت میانگین ذکر شده است). براساس آمارهای مندرجه می‌توان به این نتیجه رسید که نرخ 8 ساعت کار در سایر کشورها به مراتب بالاتر از ایران است.

هزینه‌ای که هست، درآمدی که نیست!

آیا در تهران به عنوان یکی از کلانشهرهای رو به توسعه که این روزها امکان تفریحی با نرخ‌هایی متناسب و همچنین زیرساخت‌هایی مانند مترو و بی.آر.تی از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب آن گسترده شده است، نسبت تناسب و درآمد با هم برابری دارد؟ آیا این موضوع در سایر شهرهای کشور رعایت شده و چنین الگویی برای بهبود کیفیت زندگی جاری شده است؟ این همان سؤالی است که حتماً با یک محاسبه کوچک و با توجه به آیت‌هایی که مطرح شده است، می‌توان به پاسخ آن رسید! هزینه‌های زندگی به خصوص در کلانشهری مانند تهران حتماً به مراتب بالاتر از درآمد یک خانواده 2 یا 3 نفره در طول یک ماه دارند؛ هزینه‌هایی که بسیار بالا هستند

اما با استانداردهای بین‌المللی مطابقت دارند و درآمدی که در پس 8 یا 10 ساعت کار، وجود ندارد! در واقع می‌توان این‌طور تحلیل کرد که هزینه‌ها و درآمد هیچ تناسب منطقی‌ای با یکدیگر ندارند و الگوها و استانداردهای بین‌المللی نیز در زمینه درآمد رعایت نشده است و دستمزدها به هیچ عنوان کفاف هزینه‌هایی همچون مسکن و تفریح را نمی‌دهند.

یک ساعت تفریح چقدر می‌ارزد؟

کارشناسان با یک معادله ساده ریاضی به این نتیجه رسیده‌اند که درآمدی معادل 600 تا 800 هزار تومان به هیچ عنوان بهبودی در روند کیفیت زندگی ایجاد نمی‌کند چرا که برخلاف اینکه استاندارد دریافت دستمزد و حقوق در ایران و تهران با استانداردهای جهانی مطابقت ندارد، اما استاندارد یک ساعت تفریح در تهران با استاندارد یک ساعت تفریح در سایر کشورها کاملاً همسو و برابر است. نرخ یک ساعت تفریح برای یک نفر در تهران معادل 30 هزار تومان است که این عدد از درآمد روزانه یک کارمند نیز بالاتر است اما کاملاً منطبق بر استانداردهای بین‌المللی تعریف شده است چرا که تهران جزو شهرهای گرانبه‌ایست جهان قرار دارد. به‌طور مثال هزینه استفاده از کارتینگ برای 8 دقیقه باید 8 هزار تومان است و البته این موضوع در سایر مکان‌های تفریحی مانند شهر بازی‌ها و اماکنی از این دست نیز کاملاً مشهود است. در این بین اما اقداماتی که مجموعه مدیریت شهری پایتخت در زمینه ساخت پارک‌ها و بوستان‌ها انجام داده، توانسته است این موضوع را کمی متعادل کند و امکانات تفریحی مناسبی مانند مجموعه‌های تفریحی واقع در جنوب شهر یا ساخت و بهره‌برداری از مجموعه‌های ورزشی تا حدودی نرخ تفریح را کاهش داده است.

به دنبال یک سقف

موضوع تهیه مسکن حتماً بزرگ‌ترین دغدغه‌ای است که این روزها برای تک‌تک جوانان وجود دارد. هر چند خیلی‌ها معتقدند که بهای مسکن در تهران بسیار بالاست اما بازهم با نگاهی به شهرهایی مانند تهران و مقایسه با آمار و ارقام بین‌المللی می‌توان به این نتیجه رسید که نرخ مسکن در تهران و برخی از کلانشهرهای مهم، منطبق بر استانداردهای تعریف شده و بین‌المللی است! اما چون میدان عرضه و تقاضا یا به عبارتی دیگر، درآمدها پایین است، نرخ مسکن نیز بسیار بالا خودنمایی می‌کند. با نگاهی ساده به صفحات نیازمندی روزنامه‌ها می‌توان دریافت که نرخ مسکن هر چند در شمال و جنوب در حال یکسان شدن است اما به‌طور مثال نرخ اجاره و رهن یک دستگاه واحد مسکونی در منطقه‌ای مانند نواب، 8 میلیون و 350 هزار تومان کرایه و در منطقه‌ای مانند مرزداران و سعادت‌آباد، 12 میلیون و 550 هزار تومان کرایه به چشم می‌خورد که این اعداد باز هم با درآمد استاندارد که یک کارمند در 8 ساعت کاری دارد، مطابق نیست و او نمی‌تواند به دنبال سقفی مناسب باشد. درواقع یک دستگاه آپارتمان 70 متری دو خوابه در هر منطقه‌ای از شهر به هیچ عنوان مطابق با درآمد اقشار جامعه نرخ‌گذاری نشده است.